اینفینیتالیسم در معرفت‌شناسی و نظریه صدق و اینفینیتالیسم در پایه‌ها

شاگرد: با خود بدن هم شش تا می‌شود.

استاد: بله، خود بدن هم چه دم و دستگاهی دارد. همان پایه‌هایی است که الآن می‌خواهم عرض کنم. اگر دقت کنید، مبنای پایه‌محوری که الآن ما به دنبالش هستیم... -با این توضیحاتی که در ذهنتان ببینید درست هست یا نه و پایه‌ها را دسته‌بندی کنید؛ آگاهی‌ها و مراتبی هم که از پایه‌ها ظهور می‌کند را دسته‌بندی کنید - می‌بینید مبنای پایه‌محور، مبنای اینفینیتالیسم است. فینیت (**finite**) متناهی است، اینفینیت (**Infinite**) نامتناهی‌گرائی است. بعد من رفتم ببینم این اصطلاح هست یا نیست، دیدم این اصطلاح در فضای ما نیست. فقط یک فینیتیلیسم داریم که در فضای ریاضیات است و مقابل افلاطونگرائی است. می‌گویند عناصر ریاضی محدود است که شبیه حرف بروار و شهودگرایان اول قرن بیستم است.

شاگرد: مخالف صورتگرائی است.

استاد: بله، و مخالف حرفهایی است که کانتور با بی‌نهایت‌هایش می‌زد.

این فضای این آقایان بود. چه عرض می‌کردم؟

شاگرد: اینفینیتالیسم را فرمودید.

استاد: بله، این برای محدودیتگرائی بود.

یک نامحدودگرائی داریم در مسأله معرفت و این مبانگرائی‌ای که باید معارف ما به یک بدیهیات اولیه برگردد یا به انسجام‌گرائی که در یک شبکه‌ای از معرفت‌ها با هم منسجم هستند در فضای نظریه صدق و اینکه مبنای در صدق چیست که آیا مطابقت با واقع است یا در انسجام‌گرائی؟ آنجا هم حرفی هست که عالی است و قابل پیگیری است. آن همان بی‌نهایت‌گرائی است؛ «**infinitism**». این مبنای آنها است. آنها می‌گویند ما به یک نقطه ابتدائی نمی‌رسیم. مراتب صدق و همه اینها تا بی‌نهایت توجیه‌پذیر است. این هم برای خودش یک مبنایی است. بعضی از چیزهایی که عرض می‌کنم، اگر دست به دست هم بدهند، مؤید همدیگر می‌شوند. ولی آن، فضای معرفت‌شناسی و نظریه صدق است و در آن فضا است.

آن چیزی که الآن من عرض می‌کنم، بی‌نهایت‌گرائی در پایه‌ها است. بی‌نهایت‌گرائی در مرکّب‌هایی است که می‌خواهد برای ظهور اشیاء، کرسی درست کند. منظور من آن است. اگر پیدا کردی که صحبتش شده باشد، به من بگویید. علی ای حال حرف‌هایی که زده شده را ببینیم.

بازبینی #3
ایجاد شده 14 سپتامبر 2024 16:43:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 12:24:38 توسط ... .